

◊ نشریه علمی زن و فرهنگ

سال یازدهم، شماره ۴۲، زمستان ۱۳۹۸

صفحات: ۷۵-۸۳

تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۴/۱۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۲۶

نقش زنان در شکل گیری فضاهای شهری

محمد مهدی مولایی*

آرزو لطفی**

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر تعیین ضوابط و چهارچوب طراحی یا مدول از فضاهای شهری جهت زنان بود. جامعه مورد بررسی زنان است که نیازهای شهری معضلات و کمبودهای فضا در اجتماع آنان در گذر تاریخ مورد توجه قرار نگرفته بود. طرح پژوهشی کاربردی است. ابزار گردآوری با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و پایگاه‌های پژوهشی مرتبط به حوزه معماری و شهرسازی زنان بود. مبانی نظری جمع آوری شده با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که در گذشته جایگاه و فعالیت زنان در عرصه‌های شهری بیشتر بوده و تعریف مشخص تری داشته است و زنان در آسایش و امنیت به فعالیت‌های روزمره خود رسیدگی می‌کردند. برخلاف گذشته در جوامع امروزی عدم توجه به بافت فضای عمومی و اختصاص دادن مکانی اجتماعی مناسب بانوان، فقدان امنیت را به ارمغان آورده است. در دنیای مدرن حاکم بر جامعه نیازهای زنان از برنامه‌های شهرسازی و معماری کامل حذف شده و محیط به فضای کاملاً مردانه‌ای تبدیل شده است. مؤلفه‌های نیاز روحی، جسمی، امنیت و تفاوت‌های فیزیولوژیکی بین زنان و مردان از عوامل اصلی و بسیار تأثیرگذار در کیفیت فضاهای شهری مناسب بانوان محسوب می‌شوند. ارتباط این مؤلفه‌ها با ضوابط طراحی شهری می‌تواند کمک شایانی به ساخت شهر همسو با بانوان و محرک حضور بیشتر آنها در جامعه باشد.

کلید واژگان: نقش زنان، شکل گیری فضای شهری.

* استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

** دانشجوی کارشناسی ارشد معماری گرایش معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. (نویسنده مسئول،

ایمیل: arezoolotfi959@gmail.com)

مقدمه

ارتباط بین عوامل هویت‌دهنده شهر میتواند ارتباطی دو سویه باشد. شهر بدون عامل انسانی مفهوم ندارد. بنابراین زمانی که صحبت از شهر می‌شود صحبت از تعاملات انسانی است. تعاملات انسان با انسان، انسان با محیط و انسان با شهر. به همین دلیل، عوامل تشکیل‌دهنده هویت شهر، هویت انسان را نیز شکل می‌دهد. در تعریف شهر عناصری مهم وجود دارد که در این میان توجه به سیمای شهر، سازمان فضایی، نمادها و نشانه‌های شهری روابط انسانی و تعاملات اجتماعی بسیار قابل توجه است. ناهمخوانی فضا با انسان موجبات عدم ارتباط یا ضعف ارتباط را فراهم می‌آورد و در صورت تداوم عدم ارتباط مابین فضا و فرد، پدیده بحران هویت عارض می‌شود (نصر و ماجدی، ۱۳۹۲). نکته اساسی آن است که شرایط عینی و کالبدی زندگی شهری می‌تواند روابط شهروندان با شهر را محدود سازد. ریشه این محدود سازی تعاملات با شهر نگرانی و ترس آنان از تعرض اعمال و رفتارهای مجرمانه است. شهروندان برای کاهش آسیب‌ها و ضررهای چنین تعرضی ترجیح می‌دهند تا حیطه بده بستان خود را با شهر محدود کنند (علیخواه و نجیبی ربیعی، ۱۳۸۵).

شهر در سده ۲۱ در مقایسه با شهر سده ۲۰ سه تفاوت اساسی دارد، تغییرات اجتماعی و اقتصادی ناشی از جهانی شدن، فن آرووری اطلاعات و زنانه شدن نیروی کار. این دگرگونی‌ها، نیازهای جدیدی را در شهر ایجاد می‌کنند که راه حل‌های نوینی را در برنامه ریزی شهری می‌طلبد (غیاثوند، ۱۳۹۴). امروزه این اصل پذیرفته شده است که کلیه شهروندان بایستی در دسترسی و استفاده از فضاهای شهری دارای شرایط برابر باشند. فضاهای شهری به همان اندازه که می‌تواند در توسعه عدالت اجتماعی راه گشا باشد، می‌تواند عاملی در جهت تعمیم نابرابری‌های اجتماعی نیز باشد (رفیعیان، نسترن و عزیز پور، ۱۳۹۲). اولین توجهات به حضور زنان را می‌توان در برنامه ریزی شهری در جامعه فرانسه یافت. به دین صورت، زنانی که خود معمار یا شهرساز بودند، در جهت این برآمدند تا به اشکال متفاوتی محلی را که در آن زندگی می‌کنند طراحی کنند. از این زمان به بعد، بر حضور زنان در شهرسازی و طراحی شهری بیش از گذشته توجه شد. این قبیل توجهات باعث شد که از زنان نیز در شهرسازی و معماری مانند مردان و در کنار آنان استفاده شود. در دنیای کنونی کشور ایران نیز، از زنان در معماری و شهرسازی بیش از گذشته استفاده می‌شود (گلی، زادولی خواجه و زادولی، ۱۳۹۲).

تاکنون تحقیقات دامنه دار فراوانی در مورد جنسیت و جنبه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، روانی، اشتغال، اقتصاد، و... در مورد زنان صورت گرفته است، لیکن مطالعات شفافی درباره ارتباط این گروه که حداقل نیمی از استفاده کنندگان از فضا هستند و با نیازهای فضایی خاصی مواجه اند، با فضای شهری صورت نگرفته است. در جامعه امروز زنان با «حرکت از حوزه خصوصی به حوزه عمومی» وظایف بیشتری بر عهده گرفته اند و نقش‌های اجتماعی گسترده تری دارند. اما در این بین «ماهیت فضای شهری جنسیت یافته» منجر به محدود شدن تحرک پذیری اجتماعی و مکانی زنان شده است، به گونه ای که علیرغم ایجاد شدن فضاهای عمومی جدید، زنان نمی‌توانند از هیچ یک از آنها بدون دغدغه استفاده کنند (فرزانه، ۱۳۸۵).

در واقع موفق بودن فضای شهری امروزه با توجه به اندازه گیری تعداد زنان و مردان استفاده کننده و تنوع ویژگی‌های افرادی که در این فضاها فعالیت می‌کنند، ارزیابی و بررسی می‌شود. بنابراین اهمیت موضوع با توجه به این که در تاریخ شهرسازی همواره طراحی شهرها بر نیازهای مردان منطبق بوده و فارغ از توجه به

فعالیت‌ها و شرایط خاص زنان می‌باشد، ضرورت دارد (همدانی، ماجدی و جهانشاهلو، ۱۳۹۴). جنسیت به عنوان مقوله ای اجتماعی و متأثر از فرهنگ حاکم بر جامعه، با مفهوم جنس که عموماً برای بیان همان مقوله از دیدگاه زیست‌شناختی به کار می‌رود، متفاوت است. به نظر می‌رسد که جنسیت مانند جنس، با بینش‌ها و نگرش‌های افراد و ادراک آنها از پدیده‌ها رابطه داشته باشد. در نتیجه چنین تفاوت‌هایی ممکن است افراد مختلف در رویارویی با فضا، ادراک متفاوتی نسبت به یک دیگر داشته باشند (قمری، طلیسچی و دژدار، ۱۳۹۳). بنابراین خصوصیات اجتماعی فرهنگی افراد در جوامع مختلف بر نحوه تصرف عرصه‌ها و خصوصیات فضای اجتماعی تأثیر می‌گذارد. فضای کالبدی معماری و شهر که فضای اجتماعی را در بر می‌گیرد با دگرگونی‌های مفهوم جنسیت تغییرپذیر است (ورمقانی، سلطان زاده و شریف، ۱۳۹۳). غالباً خانه‌داری، اشتغال خاص زنان تلقی می‌شود، حتی اگر آنها در پایگاه‌های شغلی هم طراز با شوهران شان شاعغل باشند. به همین دلیل، مسئولیت‌های خانوادگی و به ویژه وجود فرزندان خردسال، کار آنها در خارج از خانه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و آنها را وادار می‌کند که برای تثبیت هویت شغلی خود به فشارهای ناشی از اضافه بار نقش و تداخل نقش‌ها تن در دهند و در عین حال به کوشند به هر قیمت، تعادل لرزان میان تعهدات شان در برابر خانواده و کار را حفظ کنند (رستگار خالد، ۱۳۸۵). زنان دارای نیازها، نقش‌ها، هنجارها و مسایل اجتماعی مخصوص به خود هستند. حق به شهر، یکی از این مسایلی است که اخیراً در فضای تاخت و تاز مردان طبقه متوسط به بالا برداشت شده است. این بدان معناست که در بیشتر جوامع از جمله جامعه ایران، زنان به خصوص زمانی که تنها باشند، نمی‌توانند از فضای خصوصی تعلق یافته استفاده نمایند. همین مسئله باعث شده است که احساس تعلق به شهر نیز در زنان کمتر باشد (رهبری و شارع پور، ۱۳۹۳). طی تحقیقاتی دیگر مطلوبیت مکان از دیدگاه متخصصان شادی را در فضای شهر انتشار می‌دهد؛ تا جایی که برخی، شادی زنان را معیار سنجش شادمانی جامعه دانستند. بی تردید این نگاه با نگرش برخی جریان‌های افراطی زنان مبتنی بر انکار تفاوت‌ها و نیازهای ذاتی زن و مرد که منجر به ایجاد بحران‌های اجتماعی در غرب شده است متفاوت است. بر این اساس، لازمه ایجاد شهری پایدار، تشخیص الگوهای رفتاری، سنت‌ها، گرایش‌ها، اعتقادات و تعصب‌هایی است که برنامه ریزی شهری را تحت تأثیر قرار می‌دهند (سلطانی، زنگی ابادی و نسترن، ۱۳۹۰).

به هر حال با استناد به مبانی نظری و پژوهشی ارائه شده آن چه که برداشت می‌شود آن است که، نادیده گرفته شدن زنان و نیازهای زیستی و جنسیتی آنها در زمان حال بسیار بیشتر از گذشته است. این گروه از جامعه با توجه به حساسیت‌های فیزیکی و روحی و روانی نیاز به توجه بیشتری دارند ولی به دلیل مردانه شدن شهرها و برنامه ریزی شهری این نیازها به طور کامل فراموش شده‌اند. مهم‌ترین نیاز، امنیت و انطباق برنامه‌ها و اهداف برنامه ریزی شهری با زنان و کودکان همراه آنها است. از روی دیگر فراهم ساختن ساختارها برای حضور بدون ترس و دغدغه‌ی امنیتی بانوان در جامعه است. بی شک عدم حضور در اجتماع و تامین نشدن نیاز ارتباط با هم نوع بیماری‌های روحی و عدم شاد بودن را به دنبال دارد. زن به عنوان عنصر روحی و عاطفی در خانه وظیفه خطیری را به دوش می‌کشد، شادی و سرزندگی او شادی و طراوت اعضای خانواده را به ارمغان می‌آورد. برای داشتن جامعه‌ای سالم و شاد باید بهای بیشتری به بانوان و نیازهای اجتماعی آنها داده شود. زنان به عنوان عضوی از قشر فعال در جامعه، با سن و جایگاه‌های مختلف اجتماعی (مادر، فرزند، مادر بزرگ، کارمند، مدرس، و...) این حق را دارند که حضور بی دغدغه و مفید در اجتماع داشته باشند بدون اینکه خللی در

کارهای روزمره و توانایی‌های آن‌ها ایجاد شود. این نوع نگرش از پایه‌های تساوی حقوق مدنی و اجتماعی بین اقشار مختلف در یک جامعه است. متأسفانه این گروه تعیین‌کننده چهارچوب و بنیان خانواده، از ملاک‌های تعیین‌کننده فضاهای شهری حذف یا بسیار محدود در نظر گرفته شده است. با توجه به مطالب ارائه شده هدف پژوهش حاضر بررسی روند تاثیر پذیری زنان از سیمای شهری، حضور و عدم حضور در شکل‌گیری و طراحی فضاهای شهری و همخوانی با نیازهای آنان می‌باشد.

روش

طرح پژوهش، جامعه آماری و روش نمونه‌گیری: روش پژوهش حاضر، کاربردی از نوع توصیفی - تحلیلی، از نوع ارزشیابی به صورت توأمان است. در پژوهش، به مطالعه و بررسی اولیه پروژه با استفاده از ابزار استخراج داده کتابخانه‌ای و پایگاه‌های پژوهشی مرتبط به حوزه معماری و شهرسازی زنان، به بررسی اطلاعات پایه که در واقع جنبه اساسی و بنیادی در شناخت پروژه دارد پرداخته شد.

روش اجرا

در بخش دیدگاه‌های نظری و مروری بر مطالعات پیشینه از طریق استخراج داده کتابخانه‌ای و پایگاه‌های پژوهشی مرتبط به حوزه معماری و شهرسازی زنان، به تفسیر و توصیف آنها پرداخته شد تا برداشتی از معضلات و کمبودهای فضا در اجتماع زنان ایجاد شود و در ادامه نیازهای شهری زنان در گذر تاریخ مورد بررسی قرار گرفته است و تلاش شده مشخص گردد چه نکاتی در شهرسازی لحاظ گردد که زنان بتوانند نقش‌های خود را در جامعه به خوبی ایفا نمایند.

یافته‌ها

زنان پیش از ورود اسلام به ایران و پس از آن در عرصه‌های اجتماعی تاریخ ایران به گونه‌ای آشکار و پنهان مشارکت سیاسی داشتند. بعد از حمله مغول و در زمان صفویه وضعیت عمومی زنان در ایران دست خوش تحولات کمتری بوده و زنان در این دوره از حقوق قانونی آزادی فردی ثروت و مالکیت محروم بودند و در نظام قشربندی عهد صفوی وضعیت زنان در اکثر موارد بر اساس موقعیت اجتماعی مردان تعیین می‌شد. در بسیاری از سفرنامه‌های تاریخی که در مورد زنان ایرانی بحث‌های مشابهی را مطرح نموده‌اند، در پاره‌ای از مکان‌ها و زمان‌ها اشاره به زنانی شده است که در رأس امور مدیریت و سازماندهی کارها را به عهده گرفتند که این نکته قابل توجه است که اصولاً افرادی از طبقات بالای اجتماع بوده و معمولاً هم به عنوان شخص دوم مملکت وارد عمل می‌شدند (شیرازی زاده و رحیمیان، ۱۳۸۸).

مراکز شهری امروز، انواع گوناگونی از اقشار جامعه (سنین متفاوت، قومیت‌ها، زبان‌های متفاوت، مکان‌های جغرافیایی و هم‌چنین فرهنگ‌های متنوع) را در خود جای داده است که تقریباً ۵۰ درصد زنان و دختران و ۵۰ درصد آقایان و پسران هستند. با این وجود طی قرن‌ها، تلاش‌های متنوع (و نه فقط نمادینی) انجام شده تا زنان در فضای خصوصی خانه نگه داشته شوند و حتی از ورود آنها به فضاهای عمومی جلوگیری شود (پیک، بدون تاریخ). تعریفی دیگر در باب رفتار اجتماعی و انگیزشی گویای آن است که فضاهای باز و عمومی شهرها باعث تبلور ماهیت زندگی جمعی می‌شود و از این حیث حائز اهمیت

است. بر این اساس فضاها در تقسیم بندی شهری جزو دسته باز و عمومی محسوب می شود که همگان حق استفاده از آن را دارند (پاکزاد، ۱۳۸۶).

عرصه های حضور زنان در فضاهای شهری دوران گذشته

منابع تاریخی از وجود عرصه های مشترک برای مردان و زنان خبر می دهند که عمدتاً شامل مساجد، تکایا، مجالس، روضه و تعزیه، قبرستان، امامزاده و بازار است. (ورمقانی، سلطان زاده و شریف، ۱۳۹۳). درباره عرصه های زنان در دوره مظفرالدین شاه نوشته است یکی از تفریحات عمده زنان ایران رفتن به حمام یا قبرستان است این دو جا برای آنان به منزل باشگاه و محل تفریح و ملاقات است. این منابع از آداب و قوانین عرفی خاصی یاد می کنند. مردان به دیدن زنان نمی رفتند، مردها را میان خود و زن ها میان خود دید و بازدید می کنند. تفریح و تفرج تنها به عملکردهای با اهداف و باورهای آیینی را امور ضروری زندگی از قبیل عبادت، همان رفت یا خرید روزانه و غیر محدود می شد. یکی از تفاوت های اجتماعی تعریف شده در چهارچوب شهری گذشته، تفاوت در نقش اجتماعی زن و مرد در ساختار فضایی محله های شهری بوده است و تامین امنیت از اصول اولیه محسوب می شده است. بنابراین اغلب زنان از فضاهای عمومی شهری محروم نمی شدند. معابر نیمه عمومی و نیمه خصوصی، بازار، مسجد و به این ترتیب محله به منزله جولان گاه زنان برای حضور در عرصه های اجتماعی بود و برای رفت و آمد آنان بسیار امن محسوب می شد. در رفع نیازهای روزانه بازارها خدمات گسترده را فراهم می ساختند. زنان ایرانی کمتر از مردان امکان رفتن به سایر مکان های شهری را داشتند، بنابراین بیشتر وقت خود را در آن مرحله آزادانه و به دور از هر گونه مزاحمتی می گذراندند. زنان لحظه به لحظه با مرزهای محل، نفس می کشند و رابطه اجتماعی با دیگران در همین مرزها را تجربه می کردند (سلطانی، زنگی آبادی و نسترن، ۱۳۹۰).

نقش زنان در شکل گیری فضای شهری

عنصر اساسی در طراحی شهرها، فضاها و توده ساختمانی هستند. فضا به اندازه توده ساختمانی نیروی سازمان دهنده با اهمیتی در شهرها محسوب می شود. فضا بر اساس تعاملات اجتماعی صورت گرفته در آن به سه دسته فضاهای عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی تقسیم می شود. از این میان فضاهای عمومی به فضایی اطلاق می شود که دسترسی به آن برای همه اعضای جامعه امکان پذیر می باشد. این معیار در بردارنده ی شاخص قابلیت نمایش فرم فضا است و بدون شک یک مجرم نمی خواهد در حین ارتکاب جرم دیده شود، عدم رویت بصری ناشی از فرم فضا شرایط بسیار مناسبی برای اهداف و رفتارهای بزهکارانه و خلاف کاران می سازد (اکبری و پاکبانیان، ۱۳۹۱). تاثیر گذاری کیفیت در فضاهای شهری غیر قابل چشم پوشی است و کیفیت طراحی شهری متشکل از سه مؤلفه به نام های "کیفیت تجربی - زیبا شناختی"، "کیفیت عملکردی" و "کیفیت زیست محیطی" است (گلکار، ۱۳۷۹).

امنیت یکی از مهم ترین مولفه های شهر اسلامی و تضمین کننده انسجام و یک پارچگی شهر است، که در دو دهه اخیر گفتمان قدرتمندی در زمینه فضاهای عمومی شهری و نقش امنیت شهری به ویژه برای گروه های آسیب پذیر زنان و کودکان گسترش یافته است. مناسب سازی فضاهای شهری برای زنان به عنوان یکی از مهم ترین محورهای مدیریت شهری مورد توجه قرار گرفته است (فلاحی، ۱۳۹۴).

بررسی‌های صورت گرفته از سوی سازمان ملی جوانان درباره امنیت روانی اجتماعی زنان ۱۸ تا ۲۹ سال شهر تهران نشان می‌دهد که تنها عده کمی از آن‌ها احساس امنیت در فضای شهری دارند (حقانی و اصلیان، بدون تاریخ). استفاده از اشکال هندسی ساده و افلاطونی، سادگی در درک فضا را افزایش می‌دهد و خوانش فضاهای شهری آسان‌تر می‌شود. از این رو میزان ارتکاب جرم پایین می‌آید.

تجربه زنان در رابطه با مردان نه تنها به شیوه‌های تحقیقات با فضا نیز تا حدودی متفاوت است. در فضاهای شهری نیز همین تفاوت‌ها چشم‌گیر بوده است. به همین منوال زنان فضاهای شهری را به فضای امن و ناامن تقسیم می‌کنند این امر موجب شده که زنان در برخی از فضای شهری به تنهایی حرکت کنند در حالی که ترجیح می‌دهند در بخشی از فضای شهری تنها به همراه دیگران یا توسط خود در فضا حضور داشته باشند. در احساس ناامنی مطرح شده مردان در مورد امنیت محیط‌شان در قیاس با زنان احساس مثبت‌تری دارند. هم مردان در تاریکی احساس ناامنی می‌کند و هم زنان، اما این میزان در زنان بیشتر است (قمری، طلیسچی و دژدار، ۱۳۹۳).

تأثیر تفاوت فیزیولوژیکی زنان و مردان در فضای شهری

توجه به تفاوت‌های فیزیولوژیکی بین زنان و مردان راهنمای خوبی برای طراحی فضاهای شهری و معماری می‌باشد. با توجه به متن، طراحی جنسیتی به معنای تفکیک فضاها از هم با توجه به جنسیت و تفکیک زن و مرد نیست بلکه طراحی همگام و منعطف با هر دو جنسیت است.

کل‌گرایی و جزء‌گرایی:

عمده‌ترین تفاوت زنان و مردان این است که زنان ادراک جز‌گرا و مردان ادراک کل‌گرا دارد هنگام قرارگیری در فضای شهری زنان به جزئیات، پنجره‌ها، تزیینات نما و غیره توجه می‌کنند و مردان در تشخیص کلیت فضای جداره‌های شهری قدرت مندتر هستند (قمری، طلیسچی و دژدار، ۱۳۹۳). بنابراین با توجه به تفاوت‌ها، برای طراحی فضاهای عمومی مناسب زنان، از جزئیات بیشتر و تزیینات بسیار خودداری شود تا از سردرگمی و ابهام جلوگیری به عمل آید.

ادراکات حسی:

عوامل متعددی زنان را در فضای شهری محدود می‌کند عوامل کالبدی و طراحی فضا هنجارهای قالب اجتماعی و فرهنگی از این دست عوامل هستند (خادم‌الحسینی و شیرخانی، ۱۳۹۲). زنان در مقایسه با مردان حس بینایی قوی‌تری دارند و زاویه دید گسترده‌تری از زنان حتی تا ۱۸۰ درجه هم می‌رسد. چشمان مردان برای دیدن تونل مانند ولی بسیار دور خلق شده است. تفاوت در بینایی زنان و مردان منجر به برخی از تفاوت‌ها در نوع نگرش این دو به محیط می‌شود. هم‌چنین زنان به محرک‌های شنوایی بهتر و بیشتر از مردان واکنش نشان می‌دهند.

تمامی حواس خوش‌آیند یا ناخوش‌آیند بودن فضا از دیدگاه زنان نقش مهمی داشته باشد، به عنوان مثال محیطی که از نظر تمامی معیارها مناسب است، ممکن است زنان به خاطر بوی بدی که از آن محیط استشمام می‌شود احساس خوش‌آیندی نسبت به آن نداشته باشند. بنا بر این مصالح و مواد مورد استفاده در فضا نیز از که طریق حواس ادراک می‌شود، می‌تواند نقش مهمی در میزان مطلوبیت فضا داشته باشد (شاه‌رودی، حسینی و مومنی، ۱۳۹۳).

ادراک رنگ:

در روان شناسی نوین، رنگ‌ها یکی از معیارهای سنجش شخصیت به شمار می آیند؛ چرا که هر یک تأثیر خاصی در روح و جسم هر فرد باقی می گذارند و نشان گر وضعیت روانی و جسمی وی هستند (استوار، ۱۳۹۱). رنگ که از مهم ترین عوامل تاثیر گذار بر زندگی انسان‌هاست و نقش اساسی در ایجاد ارتباط میان انسان و محیط اطراف ایجاد می کند می توان گفت انسان‌ها و رنگ‌ها مجموعه ای از نظام کل جهان می باشند که دائماً در حال تعامل و تبادل با یکدیگر هستند و در نهایت انسان را تحت تاثیر رنگ‌ها قرار می دهند (محمد آقایی و سهیلی، بدون تاریخ). بنابراین باید در طراحی فضاهای معماری عمومی به نورپردازی و ملیت‌های رنگی فضای مناسب با کاربری آنان توجه کرد چرا که این امر سبب رضایت مندی بانوان کاربران آن فضا شده و ایشان مدت زمان بیشتری را در آن فضا سپری خواهند کرد. علاوه بر نورپردازی رنگ نمای فضا بیشتر مورد توجه بانوان است به طور کلی رنگ‌ها نباید قوی و ضعیف باشد. رنگ‌های قوی می تواند باعث خستگی زنان شوند در حالیکه آقایان به این موضوع بی توجه اند (قمری، طلیسچی و دژدار، ۱۳۹۳).

نورپردازی:

در مورد ویژگی‌های بصری می توان گفت بانوان به نورپردازی و رنگ نماهای فضاها و خصوصاً رنگ فضای داخلی و دکوراسیون و جزئیات توجه بیشتری نشان داده در حالی که آقایان توجه به کلیات آن و تناسب نورپردازی و رنگ با عملکرد توجه دارند. تامین روشنایی مناسب برای سطوح، باعث اجتناب از تفاوت‌های بیش از حد روشنی سطوح وسیع که در میدان دید قرار دارند، می شود. تفاوت‌های زیادی در روشنی سطوح مانند همانندی و درخشندگی بیش از حد منابع نوری باعث خستگی زنان می شود، و در صورت روشنی یک نواخت محیطی خسته کننده ایجاد می شود (قمری، طلیسچی و دژدار، ۱۳۹۳). فضایی که تاریک و خلوت بوده و نور پردازی قابل قبولی دارد، از نظر بانوان امن تر بوده و حضور در چنین فضاهایی برای شان ارجح تر است.

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش با بررسی مطالعات انجام شده در خصوص فضاهای شهری، نیازها و محدودیت‌های زنان شناسایی شد و راه کارهایی برای پاسخ به آنها در نظر گرفته شد. نتایج بررسی نشان داد که: قرار گرفتن زنان در محیطی با طراحی مناسب و زیباسازی شهری مناسب، تأثیر بسیار زیادی در میل و شوق به حضور آنان در اجتماع می شود. روند تاثیر پذیری زنان از سیمای شهری به صورت محسوس و مستقیم است، به نحوی که تاثیرات روحی و جسمی کاملاً در آنان مشهود است و شرایط زندگی خانوادگی، امنیت در محیط‌های اجتماعی، آرامش در محیط‌های کاری، افزایش و کاهش ارتباطات انسانی را تحت الشعاع قرار می دهد. حضور و یا عدم حضور زنان در فضاهای شهری تأثیر خود را با زیبا ساختن، عریض شدن معابر، طراحی فضاهای سبز کنترل شده، افزایش شادی اجتماعی، بالا رفتن امنیت، افزایش حمل و نقل عمومی، خوانایی فضاهای شهری، و... جلوه می دهد.

با تنوع در اندازه و چگونگی هندسه، استفاده از سنگ و چوب، نورهای رنگی در نماهای شهری،

سادگی و آراستگی محیط‌های مصنوع، استفاده از رنگ‌های آرامش‌بخش در عین سادگی (آبی، سبز)، امکان‌سازی برای حضور در ساعات اولیه صبح برای ایجاد انگیزه و نشاط صبح‌گاهی، استفاده از رنگ‌ها در سردرها و میادین شهری برای خوانایی بیشتر، زیبا ساختن مسیرهای حمل و نقل، استفاده از تابلوها و دیوارنگاری‌های خلاقانه، تنوع در شکل سطوح‌های زیبا و تمیزی نماهای شهری، استفاده از گیاهان با گل‌های رنگی و تغییر پذیر، کیوسک‌های مورد نیاز مادر و کودک، استفاده از فضاهای زیر پل‌های شهری و اختصاص دادن آن به فعالیت‌های شاد و دست‌جمعی خانوادگی، میادین باز پیاده روی و بازارچه‌های روز در مراکز محلات، می‌توان موجبات نیازهای زیبا‌شناختی زنان را فراهم نمود، به گونه‌ای که مشوق هرچه بیشتر حضور زنان در فضاهای شهری شود.

هم‌چنین برای برآورده کردن نیازهای روان‌شناختی و رفتاری زنان در فضاهای شهری جهت برقراری حس امنیت لازم است که از روشنایی بیشتر در شب، امنیت بیشتر در خیابان‌ها و پارک‌ها، شفافیت بالا در طراحی، استفاده از رنگ‌های سفید و روشن، ارتباط مستقیم در ورودی‌ها با فضا، دیدن انتهای مسیر و ایجاد پارک‌های کوچک مخصوص بانوان در مراکز محلات استفاده شود. و از هندسه‌های برجسته و فرورفته در شهر، بوته‌های بلند و درختان بلند که دید را سد می‌کند، طراحی فضاهای دنج و کنج برای جمع شدن جوانان در مناطق خلوت شهری و بکارگیری از رنگ‌های تند و گرم مانند قرمز و نارنجی در سطوح وسیع در مناطق پر ازدحام شهری استفاده نشود.

علاوه بر این موارد از خشونت‌های کلامی و رفتاری در فضاهای شهری جلوگیری شود. بیشتر شدن عرض معابر برای کاهش تنش‌ها و برخورد‌ها حین عبور، طراحی خانه‌های امن و پناهگاه‌های مراقبتی، کیوسک‌های نیازمندی بانوان و رسیدگی به شکایات آن‌ها نیز در نظر گرفته شود.

منابع

- استوار، مسیب. (۱۳۹۱). رنگ. تهران: رازنامه.
- اکبری، رضا، پاک‌بنیان، سمانه. (۱۳۹۱). تأثیر کالبد فضاهای عمومی بر احساس امنیت اجتماعی زنان. *نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی*، ۱۷(۲)، ۵۳-۶۴.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۶). *مبانی نظری و فرایند طراحی شهری*. تهران: انتشارات شهیدی.
- توانا، محمدعلی. (۱۳۹۰). برابری جنسیتی در نظریه شهروندی متمایز آیریس ماریون یانگ. *زن در توسعه و سیاست*، ۹(۴)، ۲۷-۴۲.
- حقانی، مهسا، اصیلیان، مهدی. (بدون تاریخ). *بررسی عوامل تاثیرگذار بر رضایت مندی زنان از جنسیت و کیفیت فضاهای شهری*. همایش زن معماری و شهر، تهران: دانشگاه تهران- موسسه بین‌المللی مطالعات راهبردی معماری ایران.
- خادم‌الحسینی، احمد، شیرخانی، حسنیه. (۱۳۹۲). بررسی محدودیت‌های حضور زنان در فضاهای عمومی شهری. *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ۴(۱۰)، ۱۶۵-۱۹۲.
- رستگار خالد، امیر. (۱۳۸۵). اشتغال زنان و ضرورت‌های کنترل فشارهای ناشی از کار خانگی. *دو ماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه شاهد*، ۱۳(۱۹)، ۳۳-۵۲.
- رفیعیان، مجتبی، نسترن، مهین، عزیزپور، سولماز. (۱۳۹۲). ارزیابی از رضایت مندی کیفیت فضاهای

- شهری با توجه به متغیر جنسیت. *مطالعات اجتماعی و روانشناسی زنان*، ۴، ۵۸-۳۵.
- رهبری، لادن، شارع پور، محمود. (۱۳۹۳). جنسیت و حق به شهر: از مون نظریه لوفور در تهران. *مجله جامع شناسی ایران*، ۱۴(۱)، ۱۱۶-۱۴۱.
- سلطانی، لیلا، زنگی آبادی، علی، نسترن، مهین. (۱۳۹۰). برنامه ریزی شهری در جهت ارتقای هویت ایرانی اسلامی زنان با تاکید بر نقش محله‌های شهری. *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۴، ۳۹-۵۳.
- شاهرودی، عباسعلی، حسینی، سید حمزه، مومنی، زینب. (۱۳۹۳). بررسی میزان انطباق معماری مساجد با نیازهای زنان (مطالعه موردی: مساجد شهرستان ساری). *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۱۸، ۳۹-۵۳.
- شیرازی زاده، آیناز، رحیمیان، مسعود. (۱۳۸۸). نقش زنان، از معماری تا شهرسازی شهرهای دیروز امروز فردا. همایش ملی زن و معماری، تهران، آموزشکده فنی حرفه ای دخترانه سما.
- علیخواه، فریدین، نجیبی ربیعی، مریم. (۱۳۸۵). زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری. *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۲۲، ۱۳۲-۱۰۹.
- گیاثوند، احمد. (۱۳۹۴). دنیای زنان در پرتو فضاهای جنسیتی شهری مدرن. *توسعه محلی روستایی-شهری*، ۷(۲)، ۲۹۹-۳۲۲.
- فرزانه، فرانک. (۱۳۸۵). درآمدی بر تعامل مفاهیم جنسیت و فضا. *صفه*، ۵۳، ۱۱۰-۱۰۰.
- فلاحتی، لیلا. (۱۳۹۴). ساختار فضایی شهر احساس امنیت در بین زنان. *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۵(۲۰)، ۶۱-۷۴.
- قمری، اخلاص، طلیسچی، غلامرضا، دژدار، امید. (۱۳۹۳). رویکرد تحلیلی به بررسی جنسیت و تفاوت‌های آن در ادراک فضای کالبدی نمونه موردی: فرهنگسرای شهر تهران. *معماری و شهرسازی آرمان شهر*، ۲۱، ۸۶-۷۷.
- گلکار، کوروش. (۱۳۷۹). مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری. *نشریه علمی پژوهشی صفحه*، ۳۲، ۳۸-۶۵.
- گلی، علی، زادولی خواجه، شاهرخ، زادولی، فاطمه. (۱۳۹۲). ارزیابی نگرش جنسیتی در طراحی فضاهای شهری. *نشریه زن در توسعه و سیاست*، ۱۱(۲)، ۱۷۱-۱۸۸.
- محمد آقایی، طاهره، سهیلی، جمال الدین. (۱۳۹۵). مروری بر تأثیر رنگها از منظر روانشناسی و اهمیت و به کارگیری مناسب. *ماهنامه شباک*، ۵۴(۱۱ و ۱۲)، ۲۰-۲۸.
- نصر، طاهره، ماجدی، حمید. (۱۳۹۲). نگاهی به مقوله هویت در شهرسازی. *نگاهی به مقوله هویت در شهرسازی*، ۵(۱۱)، ۲۷۷-۲۶۹.
- ورمقانی، حسنا، سلطان زاده، حسین، دهباشی شریف، مزین. (۱۳۹۳). رابطه جنسیت و فضا در عرصه‌های خصوصی و عمومی دوره قاجار. *باغ نظر*، ۳۷، ۴۰-۲۹.
- حاجی احمدی همدانی، آذین، ماجدی، حمید، جهانشاهلو، لعلا. (۱۳۹۴). بررسی معیارهای تأثیر گذار بر افزایش میزان فعالیت زنان در فضاهای شهری. *فصلنامه مطالعات علمی پژوهشی مطالعات شهری*، ۱۴، ۵۹-۴۷.

The Role of Women in Urban Spaces Formation

* M. Moulaii

** A. Lotfi

Abstract

The purpose of the present study was to determine the criteria and framework for designing or modulating urban spaces for women. The study population was the women whose urban needs for problems and lack of space in their community throughout the history were ignored. The research design was an applied type. The data collection tools were library data and research databases related to women in architecture and urban planning. The collected theoretical bases were analyzed using descriptive-analytical method. The results showed that in the past, the status and activity of women in urban areas were more and more defined, and women were taking care of their daily activities in comfort and safety. Unlike in the past, in today's societies, the lack of attention to the context of public space and the allocation of appropriate social space for women has led to a lack of security. In the dominated modern world of society, women's needs have been removed from urban planning and architecture, and the environment has become a completely masculine environment. The components of mental, physical, security, and physiological differences between men and women are major and very influential factors in the quality of urban spaces suitable for women. The relevance of these components to the urban design criteria could be a great help in building a more cohesive city with women and stimulating their greater presence in society.

Keywords: role of women, urban space formation.

*Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran. (Email: m.moulaii@basu.ac.ir)

** M. S of Architecture, Department of Architecture, Faculty of Fine Arts and Architecture, Bu Ali Sina University, Hamadan, Iran. (Corresponding Author, Email: arezoolotfi959@gmail.com)